

فضاهای قابل دفاع به عنوان سرمایه‌ای اجتماعی در کاهش میزان جرم‌های شهری و ارتقای امنیت محیطی (با توجه به شهرهای سنتی ایران)

محمد رضا پورجعفر^{۱*}، فاطمه رضایی فر^۲، علی اکبر تقوایی^۳

(تاریخ دریافت ۸۹/۴/۲، تاریخ پذیرش ۸۹/۷/۱۳)

چکیده

امنیت یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در محیط‌های شهری است. بنابراین نیاز به امنیت در فضاهای شهری، موجب شکل‌گیری مجموعه نظریه‌های مستندی چون نظریه «فضاهای قابل دفاع» و «پیشگیری از جرم از راه طراحی محیطی» (CPTED) شده است. در این نوشتار، ابتدا جنبه‌های مختلف مرتبط با نظریه‌های فضای قابل دفاع بررسی، و عناصر کلیدی آن تعریف شده است. در ادامه نقش فضاهای قابل دفاع به عنوان سرمایه‌ای اجتماعی در کاستن از میزان جرم و جنایت در شهرها مورد توجه قرار گرفته است. در پایان نیز رویکرد فضاهای قابل دفاع در شهرهای سنتی ایران، با تأکید بر شهر اصفهان بررسی شده است. هدف این تحقیق، بررسی فضاهای قابل دفاع در عرصه شهری و نقش این فضاها به عنوان سرمایه‌ای اجتماعی در کاستن از میزان جرم و جنایت شهری است. ضمن اینکه با مرور روند شکل‌گیری شهرهای

*Pourja_m@modares.ac.ir

۱. دانشیار گروه شهرسازی دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس

۲. کارشناس ارشد شهرسازی دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس

۳. دانشیار گروه شهرسازی دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس

سنتی ایران، به بررسی پیشینه این رویکرد- فضای قابل دفاع- در شهرهای تاریخی سرزمین کهن ایران (نمونه شهر اصفهان) پرداخته است. سؤال محوری مقاله این است: آیا بین سرمایه اجتماعی و فضاهای قابل دفاع در سطح محلات شهری رابطه‌ای وجود دارد یا خیر؟ روش تحقیق مقاله، تحلیلی- اسنادی از نوع توصیفی است و نویسندگان با بهره‌گیری از منابع، اسناد و مدارک مرتبط با تحقیق، به تحلیل موضوع پرداخته‌اند. نتایج و یافته‌های تحقیق پیشینه وجود فضای قابل دفاع- در طراحی و برنامه‌ریزی- را در شکل‌گیری شهرهای تاریخی ایران تأیید می‌کند. فضاهای قابل دفاع و امن در شهرهای تاریخی ایران با پیشینه‌ای از مفهوم سرمایه اجتماعی، تحت نظارت همگانی و با مسئولیت جمعی مراقبت می‌شده و در کاهش جرم و ثبات امنیتی در شهرها نقش برجسته‌ای داشته است.

واژه‌های کلیدی: شهر، فضاهای قابل دفاع، سرمایه اجتماعی، جرم، شهرهای سنتی ایران.

مقدمه

موضوع امنیت به‌عنوان یکی از نیازهای بنیادین بشر و یکی از پشتوانه‌های سرمایه اجتماعی، همواره مورد توجه بوده است. پژوهش‌های صاحب‌نظران عرصه شهرسازی، معماری و نیز علوم اجتماعی چون اسکار نیومن، جین جیکوبز، سالی مری و بسیاری دیگر از متخصصان حوزه‌های مرتبط، موجب پیدایش نظریه‌های مستندی چون نظریه فضاهای قابل دفاع، پیشگیری از جرم از راه طراحی محیطی^۱ و... شده است. مفهوم فضای قابل دفاع^۲ اولین بار از حدود دهه شصت میلادی وارد حوزه شهرسازی شد؛ به این معنا که امنیت شهری وقتی ایجاد می‌شود که بتوانیم ابزارهای لازم را برای ساختن فضای قابل دفاع فراهم کنیم؛ فضایی که مردم در آن احساس امنیت، آرامش و رضایت خاطر کنند. در واقع اطمینان خاطر شهروندان ناشی از هراس نداشتن آن‌ها- چه عینی و چه ذهنی- از هر نوع تهدید و خطر علیه عوامل مختلف سازنده شهر است؛ عواملی چون فضاهای شهری، مجتمع‌های مسکونی، تأسیسات، فضاهای سبز عمومی و ... که احساس ناامنی را در شهروندان به وجود می‌آورد. فضاهای قابل دفاع به گواه این تحقیق، در نحوه شکل‌گیری بافت سنتی ایران مؤثر بوده و موجب شکل‌گیری شهرهای قابل دفاع و امنی شده است که با مسئولیت جمعی مراقبت می‌شده است.

1. Crime Prevention Through Environmental Design
2. Defensible Space

فضاهای قابل دفاع به‌عنوان سرمایه‌ای اجتماعی ... _____ محمدرضا پور جعفر و همکاران

مسئولیت‌پذیری مؤثر ساکنان در پایش محیط زندگی خود، نتیجه عواملی است که فضای قابل دفاع را خلق کرده و موجب احساس نظارت جمعی در ساکنان شده است. در واقع پیامد این مسئولیت و ابزار تقویت‌کننده آن، آشنایی بیشتر ساکنان با هم و با محیط زندگی‌شان است. امری که با توجه به تعریف سرمایه اجتماعی: «آنچه می‌دانید مهم نیست، آن‌که می‌شناسید مهم است»، دقیقاً بر آشنایی و نتایج آن دلالت می‌کند. با فرض اینکه آشنایی در بیشتر مواقع فایده‌مند است و این سودمندی نوعی منبع ارزشمند به‌شمار می‌رود، کاربرد مفهوم «سرمایه» را در سرمایه اجتماعی قابل دفاع می‌کند (پیران و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۰). بنابراین فضاهای قابل دفاع با این تعریف پیش‌شرط‌های لازم را در فضا به‌عنوان سرمایه‌ای اجتماعی فراهم آورده است. مسئله‌ای که اهمیت آن در ایجاد امنیت و کاهش جرم در شهرها، لزوم بررسی پیشینه، عوامل مؤثر و هدف فضاهای قابل دفاع را در این مقاله موجب شده است.

پیشینه تحقیق (سابقه و گرایش‌های زمینه‌ای)

مفهوم سرمایه اجتماعی دیرزمانی نیست که به عرصه علوم اجتماعی وارد شده است؛ اما با سرعت چشمگیری گسترش یافته است. ردپای این مفهوم را می‌توان در آثار بسیاری از جامعه‌شناسان کلاسیک در مفاهیمی از قبیل اعتماد، هم‌بستگی و انسجام اجتماعی، هنجارها و ارزش‌ها مشاهده کرد. سرمایه اجتماعی در معنای مدرن خود نخستین بار در سال ۱۹۱۶م در نوشته‌های هانیفان^۱، سرپرست وقت مدارس ویرجینیای غربی در آمریکا به‌کار رفت. این سرمایه ناملموس بسیاری از امور زندگی روزانه مردم را دربرمی‌گیرد؛ اموری مانند حق کسب و کار، معاشرت، همفکری و همدردی و دادوستد اجتماعی میان افراد و خانواده‌ها که واحدهای اجتماعی را می‌سازند. هانیفان سرمایه اجتماعی را حاصل ظرفیت‌های بالقوه‌ای می‌داند که برای بهبود اساسی شرایط زندگی اجتماعی کفایت می‌کند. پس از او محققان و جامعه‌شناسان بسیاری مطالعات و نظریه‌های خود را در این باره ارائه داده‌اند؛ افرادی چون جین

جیکوبز^۱ استاد مسائل شهری، گلن لوری^۲ اقتصاددان، ایوان لایت^۳ جامعه‌شناس، فوکویاما^۴، کلمن^۵ جامعه‌شناس، پوتنام^۶ دانشمند علوم سیاسی، و پیر بوردیو^۷. اما بررسی‌ها نشان می‌دهد، اولین بار جین جیکوبز در کتاب *مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی* (۱۹۶۰م) موضوع سرمایه اجتماعی را وارد حوزه مطالعات شهری کرد. در این کتاب ارتباط سرمایه اجتماعی و نظافت شهری و مقابله با جرم و جنایت بحث و بررسی شده است (Wikipedia, 2008). این در حالی است که عده‌ای نتیجه سرمایه اجتماعی را افزایش کنترل‌های اجتماعی و نوعی هنجارمندسازی اجتماعی دانسته‌اند.

در بررسی پیشینه مفهوم فضای قابل دفاع در مطالعات شهری باید توجه داشت، پیشگیری از جرم از راه طراحی محیطی را در اصل جرم‌شناسی به نام سی‌ری جفری^۸ ابداع کرد و هم‌زمان با آن، معماری به نام اسکار نیومن یک شیوه محدودتر آن را که «فضای قابل دفاع» نامیده شد، مطرح کرد. کتاب او: *فضای قابل دفاع: پیشگیری از جنایت از طریق طراحی شهری* در سال ۱۹۷۲م منتشر شد. نیومن این شیوه را به CPTED نسبت داد و جفری را مبتکر این عبارت معرفی کرد. مدل جفری بیشتر به‌عنوان شیوه چندضابطه‌ای پیشگیری از جنایت عمل می‌کند که بیولوژی و روان‌شناسی را ترکیب می‌کند؛ وضعیتی که حتی خود جفری نیز آن را پذیرفت. این مفهوم بیان می‌کند که جرم و تخلف از راه طراحی محیطی می‌تواند کنترل شود و کاهش یابد. اهمیت این اندیشه در این است که محیط متعلق به فرد را برای سنجش توقعش از جرم و جنایت در اجتماع شرح می‌دهد (Wikipedia, 2008). در همین زمینه پارک معتقد است نواحی شهری از پیشرفت و بهبود انگیزه‌های ساکنان جلوگیری می‌کند و باعث رواج انحراف‌های اجتماعی می‌شود. در

1. Jane Jacobs
2. Gallen Lurry
3. Ivan Light
4. Fukuyama
5. Coleman
6. Robert Putnam
7. Pierre Bourdieu
8. C. Ray Jeffery

فضاهای قابل دفاع به‌عنوان سرمایه‌ای اجتماعی ... _____ محمدرضا پور جعفر و همکاران

واقع او به چگونگی طراحی و سازمان فیزیکی شهر اشاره می‌کند که بر الگوهای فرهنگی- اجتماعی زندگی شهری تأثیری عمیق می‌گذارد (بیانلو، ۱۳۸۵: ۳۷). بررسی مطالعات تجربی در سنجش میزان امنیت و دفاع‌پذیری فضاهای شهری در کشورهای مختلف نشان می‌دهد هرچند افزایش جرم و بزهکاری و پیامدهای آن از جمله ناامنی در عصر کنونی به یک ویژگی عمومی کلان‌شهرها در جهان تبدیل شده است، در برخی کشورها مانند انگلستان این مشکل در شهرهای متوسط نیز به‌شکل جدی‌تری دیده می‌شود؛ به‌طوری‌که مسئولان را واداشته است تا برای انجام اقداماتی در جهت امن‌سازی محیط‌های شهری در این شهرها تدابیری خاص بیندیشند.

در ایران درباره فضای دفاع‌پذیر تحقیقات بسیار محدودی انجام شده است. یکی از آن‌ها، پژوهشی است که به فضاهای بدون دفاع در تهران پرداخته است. در این تحقیق ضمن تعریف این نوع فضاها، با طرح چند سؤال اساسی به علت‌یابی پیدایش این فضاها، عملکرد، ویژگی‌های کالبدی آن‌ها و ارزیابی میزان مستعد بودن جامعه ایران برای کنترل یا گسترش فضاهای بدون دفاع و سرانجام ارائه راه‌حلی برای کنترل این گونه فضاها و کاهش تعداد آن‌ها توجه شده است (پودراتچی، ۱۳۸۱: ۳۴). مطالعات و بررسی‌ها گویای آن است که درباره مفهوم سرمایه اجتماعی در ایران به‌ویژه در حوزه‌های علوم اجتماعی پژوهش‌های بسیاری انجام شده است؛ اما در زمینه مباحث شهری پژوهشی که مفهوم سرمایه اجتماعی را در ایجاد فضاهای امن و قابل‌دفاع شهری با توجه به معماری و شهرسازی سنتی ایران به تفصیل بررسی کند، مشاهده نشده است. هرچند تحقیقاتی در قالب مبحث سرمایه اجتماعی در شهرها چون «سرمایه اجتماعی: سنجش در محله و شهر: چارچوب مفهومی» و «نقش سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار محله‌ای (مشهد)» انجام شده است، در هیچ‌یک از آن‌ها ارتباط دوسویه سرمایه اجتماعی و فضاهای قابل‌دفاع به‌طور مستقیم بررسی نشده است. بنابراین شاید بتوان گفت این تحقیق رویکردی جدید در این حوزه دارد.

سرمایه اجتماعی و فضاهای قابل دفاع

سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی در بردارنده مفاهیمی همچون اعتماد، همکاری و روابط متقابل بین اعضای گروه است؛ به گونه‌ای که گروه را به سمت دست‌یابی به هدفی رهنمون کند که بر مبنای ارزش‌ها و معیار رایج در جامعه، مثبت تلقی می‌شود. سرمایه اجتماعی به معنای همبستگی بین افراد، مفهومی است که از اوایل دهه ۱۹۲۰م مطرح شد. صاحب‌نظران و دانشمندان علوم اجتماعی در این حوزه تحقیقات گسترده‌ای انجام داده‌اند و نظریه‌پردازانی همچون جین جیکوبز (۱۹۶۱)، لوری (۱۹۷۰) بن پرات (۱۹۸۰)، ویلیامسن (۱۹۸۱)، بیکر (۱۹۸۳)، جیمز کلمن (۱۹۶۶)، رابرت پوتنام (۱۹۷۰)، پیر بوردیو (۱۹۸۰) و فرانسیس فوکویاما (۱۹۹۰) تعریف‌های بسیاری از سرمایه اجتماعی ارائه کرده‌اند. جین جیکوبز در کتاب *مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی* سرمایه اجتماعی را شبکه‌های اجتماعی فشرده‌ای می‌داند که در محدوده‌های قدیمی شهری در ارتباط با حفظ نظافت، از بین بردن جرم و جنایت خیابانی و تصمیم‌هایی در مورد بهبود کیفیت زندگی، در مقایسه با عوامل نهادهای رسمی مانند نیروی حفاظتی پلیس و نیروی انتظامی، مسئولیت بیشتری از خود نشان می‌دهند. مثال عینی این تعریف را در دنیای امروز می‌توان در تشکلهای غیردولتی حمایت از محیط زیست یافت. این شبکه اجتماعی گاهی نیروهای قدرتمندی را به صورت NGOها به وجود می‌آورد که حتی در حمایت از محیط زیست موجب توقف طرح‌های عمرانی دولت نیز می‌شوند.

از نظر پیر بوردیو، سرمایه اجتماعی حاصل جمع منابع بالقوه و بالفعلی است که نتیجه مالکیت شبکه بادوامی از روابط کمابیش نهادینه‌شده آشنایی و شناخت دوسویه بین افراد یا عضویت در گروه است؛ شبکه‌ای که هر یک از اعضای خود را از پشتیبانی سرمایه جمعی برخوردار می‌کند و آنان را سزاوار اعتبار می‌کند (میشری، ۱۳۸۷: ۱۶). البته سرمایه اجتماعی مستلزم شرایطی به مراتب بیش از وجود صرف شبکه پیوندهاست. در واقع پیوندهای شبکه‌ای باید از نوع خاصی باشند: مثبت و مبتنی بر اعتماد.

فضاهای قابل دفاع به‌عنوان سرمایه‌ای اجتماعی ... _____ محمدرضا پور جعفر و همکاران

از نظر کلمن، سرمایه اجتماعی شامل چارچوبی اجتماعی است که موجب تسهیل روابط میان افراد درون آن می‌شود؛ به‌گونه‌ای که فقدان آن ممکن است در دست‌یابی به هدف معین هزینه بیشتری تحمیل کند (مبشری، ۱۳۸۷: ۱۶). از دیدگاه پوتنام (۲۰۰۰) سرمایه اجتماعی آن دسته از ویژگی‌های زندگی اجتماعی، شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد است که شرکت‌کنندگان را قادر می‌کند تا به شیوه‌ای مؤثرتر اهداف مشترک خود را پی بگیرند. از دیدگاه بوردیو و کلمن، سرمایه اجتماعی ممکن است روابط بین افراد را آسان کند؛ حتی ممکن است این موفقیت به بهای محروم کردن سایر افراد به‌دست آید. به‌طور مشابه واضح نیست که آیا میزان بالاتر سرمایه اجتماعی در سطح محلی منافی را برای کل جامعه در پی دارد؟ به این سبب بیشتر صاحب‌نظران بین انواع گوناگون سازمان‌ها تمایز قائل می‌شوند و استدلال می‌کنند که شبکه‌های پیوندی^۱ در مقایسه با شبکه‌های متحدکننده^۲ به‌احتمال زیاد آثار خارجی مثبت بیشتری را برای جامعه در پی دارد (www. alhosseini. org, 2008). پوتنام بین دو شکل اولیه سرمایه اجتماعی: سرمایه اجتماعی ارتباط‌دهنده (یا جامع) و سرمایه اجتماعی درون‌گروهی یا انحصاری تمایز قائل می‌شود و می‌گوید سرمایه اجتماعی ارتباط‌دهنده افراد وابسته به تقسیمات اجتماعی گوناگون را گرد هم می‌آورد و سرمایه اجتماعی درون‌گروهی هویت‌های انحصاری را تقویت می‌کند و باعث حفظ همگنی می‌شود.

فوکویاما سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از هنجارهای موجود در نظام‌های اجتماعی می‌داند که از یک‌سو موجب ارتقای سطح همکاری اعضای آن جامعه، و از سوی دیگر سبب کاهش هزینه‌های ارتباط‌ها می‌شود. به نظر او، سرمایه اجتماعی با شعاع اعتماد ارتباط نزدیکی دارد؛ به این ترتیب که هرچه شعاع اعتماد در گروه اجتماعی گسترده‌تر باشد، سرمایه اجتماعی نیز زیاد خواهد بود و در پی آن میزان همکاری و اعتماد دوسویه اعضای گروه نیز افزایش خواهد یافت (مبشری، ۱۳۸۷: ۱۶). پورتس در ارزیابی سرمایه اجتماعی، چهار پیامد منفی سرمایه اجتماعی را برمی‌شمارد: محرومیت بیگانگان، توقعات بیش از حد از افراد گروه، محدودیت آزادی فردی و هنجارهای محدود نگهدارنده (Portes, 1998: 1-24). درخور ذکر است که

1. Bridging
2. Bonfing

بین سرمایه اجتماعی «درون‌گروهی» و «پیوندی» باید تمایز قائل شد. در حال حاضر درباره نتایج منفی سرمایه اجتماعی پیوندی، هنگامی که در تعادل با مقدم خود یعنی نوع درون‌گروهی باشد، هیچ تحقیقی انجام نشده است. پوتنام می‌گوید سرمایه اجتماعی می‌تواند موجب تقویت همکاری و به‌طور هم‌زمان گسترش روابط حمایتی دوجانبه در اجتماعات و ملت‌ها شود؛ بنابراین می‌تواند برای مبارزه با بسیاری از نارسایی‌های اجتماعی در جوامع مدرن، همچون جرم‌ها، که جزء جدایی‌ناپذیر آن‌هاست، ابزار ارزشمندی باشد (Putnam, 1993: 27).

آنچه از تعریف‌های بی‌شمار سرمایه اجتماعی برمی‌آید این است که مفهوم سرمایه اجتماعی دربردارنده مفاهیمی همچون اعتماد، همکاری و روابط دوسویه بین اعضای گروه است؛ به گونه‌ای که گروه را به سمت دستیابی به هدفی رهنمون کند که بر مبنای ارزش‌ها و معیار رایج در جامعه، مثبت تلقی می‌شود. بر اساس این تعریف، هرچند ممکن است سرمایه اجتماعی به دلیل تقویت نیروهای جاذبه بین اعضای گروه و نیروهای دافعه بین گروه‌های متفاوت لزوماً عامل مثبتی در جامعه نباشد، به یقین برای پیشبرد و دستیابی آسان به اهداف تعیین‌شده جامعه عاملی ضروری به‌شمار می‌رود.

فضاهای قابل دفاع

فضای قابل دفاع بنا به تعریف نیومن، واژه‌ای است برای سلسله‌ای از نظام‌های فضایی شامل موانع واقعی و نمادین، حوزه‌های نفوذ تعریف‌شده و امکان مراقبت بیشتر که در کنار هم محیط را به کنترل ساکنان درمی‌آورد. در این فضا به فعالیت‌های مجرمانه کمتر اجازه وقوع داده می‌شود. در واقع فضای دفاع‌پذیر به بررسی تأثیر رفتار اجتماعی تولیدشده از موضع برنامه‌ریزی، طراحی و معماری می‌پردازد (Newman, 1996).

مؤلفه‌های ایجاد فضای قابل دفاع و اهداف آن

ارتباط دوسویه محیط و رفتار موجب شده است تا عوامل مؤثر برای دخالت در محیط، به‌گونه‌ای که بر رفتارهای اجتماعی و فردی اثری مطلوب بگذارد، مورد توجه قرار گیرد.

فضاهای قابل دفاع به‌عنوان سرمایه‌ای اجتماعی ... _____ محمدرضا پور جعفر و همکاران

اشارات ابن خلدون و محققان دیگر چون منتسکیو درباره تأثیر شرایط اقلیمی و محیط طبیعی در شکل‌گیری تحولات رفتاری، نمونه‌ای از بررسی‌های انجام‌شده در این حوزه است (مونسکیو، ۱۳۶۲: ۱۲؛ ابن‌خلدون، ۱۳۵۲: ۲۵). این ارزیابی در عرصه‌های شهری نیز مورد توجه واقع شده و نظریه‌پردازان بسیاری مؤلفه‌های فضای دفاع‌پذیر را بررسی کرده‌اند. نیومن که از نظریه‌پردازان این حوزه است، برای ایجاد فضای قابل دفاع وجود چهار عامل را ضروری می‌داند:

۱. نظام ارباب رعیتی ایجاد حکومت مستقل ناحیه‌ای: به این معنا که خانه هر فردی مقدس است.

۲. نظارت طبیعی: پیوستگی بین خصوصیات فیزیکی فضا و توانایی ساکنان برای مشاهده آنچه اتفاق می‌افتد.

۳. مجسم کردن (پندار): قابلیت طراحی فیزیکی برای بیان احساس امنیت.

۴. قلمرو: فضای قابل دفاع تا اندازه‌ای به وجود قلمروها و توانایی‌های افراد برای نظارت بر رخدادهای محل زندگی‌شان متکی است (Newman, 1996).

نیومن متوجه رابطه بسیار نزدیک فقدان قلمرو و نظارت آشکار بر فضا با میزان جنایت شد (آلتن، ۱۳۸۲: ۴۷). جنبه‌های دیگری نیز ممکن است بر امنیت اثرگذار باشد؛ مثل نزدیکی به ایستگاه پلیس یا منطقه تجاری شلوغ. البته نظریه‌پردازان بی‌شماری این عوامل را تأیید می‌کنند و آن‌ها را لازمه ایجاد فضای دفاع‌پذیر در عرصه‌های شهری می‌دانند. همه تدابیری که برای ایجاد یا تقویت فضاهای دفاع‌پذیر در نظر گرفته شده‌اند، هدف مشترکی دارند، و با هماهنگی برنامه‌های تعریف‌شده، به گونه‌ای مطلوب در جهت رسیدن به این اهداف تعریف‌شده عمل می‌کنند:

۱. بازسازی چیدمان فیزیکی اجتماعات به این معنا که به ساکنان اجازه می‌دهد فضاهای اطراف خانه‌هایشان را کنترل کنند؛ این فضاها شامل خیابان‌ها، زمین‌های بیرون ساختمان‌هایشان- لابی‌ها- و کریدورهای درونشان است.

۲. این برنامه‌ها به مردم کمک می‌کند تا آن دسته از فضاهایی را که آن‌ها به‌طور معمول ارزش‌ها و سبک زندگی‌شان را در آن فضا درک می‌کنند، به‌خوبی حفظ نمایند.

فضای قابل دفاع و نظریه پیشگیری از جرم از راه طراحی محیطی (CPTED)

پیشگیری از جرم از راه طراحی محیطی را جرم‌شناسی به نام جفری ابداع کرد و هم‌زمان معماری به نام اسکار نیومن یک شیوه محدودتر آن را که «فضای قابل دفاع» نامیده شد، مطرح کرد. مطالعات جرم‌شناسی سال‌های اخیر در تشریح نظریه CPTED، سه رویکرد را در زمینه پیشگیری از جرم در محیط ساخته‌شده مطرح کرده است. اولین رویکرد، پیشگیری از جرم از راه طراحی محیطی است. در این روش بر کاهش فرصت‌های جرم‌خیز از راه روش‌های برنامه‌ریزی و طراحی تأکید می‌شود (Schneider, 1996: 55). دومین رویکرد، پیشگیری از جرم از راه محل‌های معین است. این روش را وزارت دادگستری ایالات متحده ابداع کرد و سعی داشت جرم را در مکان‌های خاص با ترکیب فیزیکی و سازمانی راهبردهای پیشگیری از جرم، مثل جامعه به‌عنوان پلیس و جامعه پیشگیری از جرم و جنایت، شناسایی کند. این رویکرد مفهوم طراحی را با تغییرات مدیریتی و نوع استفاده از یک محل ترکیب می‌کند (Fenis, 1997: 11). سومین رویکرد، سیاست‌های پیشگیری از موقعیت‌های جرم است و بیشتر در بریتانیا توسعه یافته است. هدف این روش، کاهش جرم و جنایت با حذف و یا مسدود کردن فرصت‌های جرم و جنایت است. با وجود تفاوت‌های این سه رویکرد، آنچه در آن‌ها مشترک است توجه به محل‌های وقوع جرم و چگونگی طراحی و مدیریت آن‌ها در پیشگیری از جرم است (RostamiTabrizi & Madanipour, 2006: 932-944).

جیکوبز در کتاب مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی (۱۹۶۱)، سه مشخصه لازم را برای ایجاد شهری امن این‌گونه توصیف کرده است:

۱. تعیین حدود واضح فضای عمومی و خصوصی؛
۲. تنوع کاربری و اختلاط آن‌ها در سطح شهر؛
۳. سطح بالایی از کاربری پیاده در پیاده‌روها (47).

فضاهای قابل دفاع به‌عنوان سرمایه‌ای اجتماعی ... _____ محمدرضا پور جعفر و همکاران

افزایش سطح فعالیت در خیابان و فضاهای عمومی شهری با پشتیبانی از سرمایه اجتماعی، کاربری پیاده را تشویق می‌کند و از میزان جرم و جنایت به‌طور محسوسی می‌کاهد (شکل ۱). اسکالومو آنجل^۱، یکی از پیشگامان اخیر CPTED، در رساله دکترای آنجل خود (۱۹۶۸) اذعان می‌کند: «محیط فیزیکی می‌تواند روی وضع جرم با تعیین قلمروها، کاهش یا افزایش دسترسی‌ها، با ایجاد یا حذف مرزها و شبکه‌های گردش، و با تسهیل نظارت توسط شهروندان و پلیس تأثیر مستقیمی بگذارد.» آنجل اثبات می‌کند میزان جرم به‌طور معکوسی با سطح فعالیت در خیابان‌ها مرتبط است (wikipedia, 2008).



شکل ۱ افزایش سطح فعالیت در خیابان و فضاهای عمومی شهری

(رضایی فر، لندن ۲۰۰۸)

در واقع رویکرد CPTED (Gronland, 2000; NICP, 2005) از دیدگاه گرونلند راهبردهای ویژه‌ای برای کاهش جرم‌های شهری در نظر می‌گیرد که از سوی مرکز جلوگیری از جرایم به شرح زیر به آن‌ها پرداخته شده است (پورجعفر و دیگران، ۱۳۸۷: ۴۴):

۱. تعریف فضاهای کنترل‌شده در ساختار شهری؛
۲. افزایش نظارت طبیعی در معابر و فضاهای شهری؛
۳. تعریف مشخص فضاهای عمومی، نیمه‌عمومی و خصوصی؛

۴. امکان‌دهی یا ایجاد رفتارهای امن در مناطق ناامن شهر؛

۵. جلوگیری از مناطق ناامن در مکان‌های امن شهری.

این راهبردها با نظارت عمومی در فضاهای شهری و بهبود فرایند طراحی شهری، از فعالیت‌های نامطلوب اجتماعی جلوگیری می‌کند.

دفاع‌پذیری فضا و عوامل مرتبط با میزان جرم

پترلا^۱ در یک دسته‌بندی سه رکن اصلی پیشگیری از جرم را مطرح می‌کند: ۱. اجرای قانون؛ ۲. شناسایی گروه‌های در معرض خطر و انجام اقدامات پیشگیری اجتماعی؛ ۳. برنامه‌ریزی و مدیریت فیزیکی (Petrella, 2004: 112). تردیدی نیست که بین دفاع‌پذیری فضا و میزان جرم ارتباط مستقیمی وجود دارد و نتایج پژوهش‌ها نیز آن را تأیید می‌کند. بنابراین شناسایی عوامل وابسته به دو متغیر دفاع‌پذیری و جرم، همسو با تحقق اهداف، ارتقای کیفیت و امنیت محیطی عمل خواهد کرد. به دنبال این یافته و به‌منظور شناسایی عوامل وابسته به متغیرهای موردبحث، نظریه‌پردازانی چون سالی، نیومن، آلیس، کولمن و... دو دسته عوامل اجتماعی و عوامل فیزیکی را مطرح کرده‌اند (Sally, 1981: 397-422). سرمایه اجتماعی در دسته عوامل اجتماعی قرار می‌گیرد؛ سرمایه اجتماعی مجموعه الگوی روابطی است که فرد درگیر آن‌هاست و به آن‌ها دست می‌یابد؛ به عبارت دیگر مجموعه‌ای از سازوکارهایی است که بر اساس آن‌ها، گروه‌ها به‌طور ضمنی و پوشیده اعضای خود را وادار می‌کنند تا رفتار خاصی در پیش بگیرند (پیران و دیگران، ۱۳۸۵: ۹-۴۴). بر اساس نظریه پیشگیری از جرم، فضایی امن‌تر است که مردم در آن، نسبت به بخش‌های دیگر اجتماع، تعلق و مسئولیت‌پذیری بیشتری دارند (Newman, 1996).

نتیجه بررسی‌های محققانی چون پارک و برگس درباره عوامل اجتماعی مرتبط با میزان جرم در فضاهای شهری نشان می‌دهد، آن دسته از حوزه‌های درون شهرهای تجاری و صنعتی که به لحاظ اجتماعی دچار بی‌سازمانی اجتماعی شده‌اند، ارزش‌ها و سنت‌های بزهکارانه و جنایی را توسعه می‌دهند (بیانلو، ۱۳۸۵: ۳۷). همچنین نیومن در مطالعاتش اثبات می‌کند که «جرم و جنایت به این سبب که بسترش پاکسازی شده، دور می‌شود»؛ چون هر فضایی مالکی دارد و با مسئولیت جمعی

1. Petrella

فضاهای قابل دفاع به‌عنوان سرمایه‌ای اجتماعی ... _____ محمدرضا پور جعفر و همکاران

مراقبت می‌شود. اگر بیگانه‌ای وارد فضا شود، با مشاهده حس نظارت اجتماعی فضا در ارتکاب جرم احساس خطر می‌کند. مسئولیت‌پذیری هر فضایی وقتی افزایش می‌یابد که خانواده‌ها در گروه‌های کوچک‌تری فرض شوند که در تضاد با اجتماع بزرگ‌ترند. گروه‌های کوچک‌تر بیشتر فضایی را به‌کار می‌برند که مختص آن‌هاست. شمار فعالیت‌های فضا افزایش می‌یابد؛ بنابراین احساس تعلق و به دنبال آن نیاز به حفظ مالکیت به‌وجود می‌آید و هر دوی این‌ها از عوامل تقویت‌کننده سرمایه اجتماعی در یک فضا هستند.

بانک جهانی در تعریف خود از سرمایه اجتماعی (۱۹۹۸)، آن را دربرگیرنده ارزش‌ها و هنجارهای مشترک لازم برای رفتار اجتماعی می‌داند که در روابط شخصی افراد، اعتماد آنان به یکدیگر و در حس مشترک مسئولیت‌های مدنی بازتاب یافته است؛ امری که جامعه را چیزی بیشتر و فراتر از جمع افراد می‌پندارد (پیران و دیگران، ۱۳۸۵: ۹-۴۴). محققان زیادی از جمله سالی مری بر این باورند که عوامل فیزیکی فضای دفاع‌پذیر در ارتباط دوسویه با عوامل اجتماعی، در فرایند کاهش جرم و ترس مؤثر است (Krupat & Kubzansky, 1970: 58-61). فضای دفاع‌پذیر عموماً به معماری و طراحی محیطی برای کاهش میزان جرم از طریق افزایش زمینه‌های مشاهده و مالکیت برمی‌گردد (Newman, 1996). اسکار نیومن درباره اهمیت عوامل فیزیکی و اجتماعی در ایجاد فضای قابل دفاع موفق معتقد است اندازه ساختمان بر رفتار ساکنان اثر مستقیمی به این ترتیب دارد:

۱. نحوه استفاده از فضاهای عمومی در مجموعه مسکونی؛

۲. روابط اجتماعی با همسایگان؛

۳. میزان احساس کنترل بر مناطق عمومی داخلی و خارجی مجموعه (نیومن، ۱۳۸۱: ۱۸-۲۳).

او همچنین بیان می‌کند عناصر فضای دفاع‌پذیر، خود عوامل اجتماعی‌ای را که برای خلق فضای دفاع‌پذیر موفق ضروری است، القا می‌کند.

فضاهای قابل دفاع و سرمایه اجتماعی در شهرهای سنتی ایران

پیشینه رویکرد فضاهای قابل دفاع در شهرهای سنتی ایران

نگاهی اجمالی به تاریخ سرزمین کهن ایران، گواهی است بر این ادعا که در شهرهای شکل‌گرفته در بافت سنتی، تقویت فضاهای امن از طریق طراحی مناسب کالبد و افزایش

تعاملات اجتماعی بین ساکنان اهمیت داشته است. چنان‌که بررسی دقیق‌تر بافت تاریخی شهرهای سنتی، تلاش کالبد بافت را در جهت ایجاد نظارت همگانی و حفظ قلمرو طبیعی - که از پایه‌های اساسی ایجاد فضای قابل دفاع و نیز از اصول مهم نظریه‌های نیومن و جیکوبز به‌طور مشترک بوده است - نشان می‌دهد. کرو نیز در این باره می‌گوید برای ایجاد دسترسی مطلوب و کاهش دسترسی مجرمان می‌توان از نظارت‌های عمومی بر معابر و مسیرهای دسترسی بهره گرفت (خاموشی، ۱۳۸۷: ۱۵۶؛ Crow, 2000: 43-67). جهت‌گیری پنجره بناها به سمت معابر و میادین محلات بافت در واقع به دلیل افزایش میزان کنترل و پایش فضا از جانب ساکنان شهرهای سنتی در ایران است؛ معابری که در شهرهای کویری بافت کهن بنا بر ملاحظات اقلیمی اغلب دیوارهای بلند و عرض کمی دارند؛ این ویژگی اهمیت لزوم چنین مراقبتی را از فضا دوچندان می‌کند. این پنجره‌ها که گاهی در شکل پنجره‌های مشبک بسیار زیبا نمود پیدا می‌کنند، ضمن عهده‌دار شدن نقش کنترلی خود، محرمت فضاهای درونی ساکنان را که تمایل به حفظ آن را دارند، تأمین می‌کند.



شکل ۲ نمایی از داخل یک فضای تاریخی که استفاده مطلوب از پنجره‌های مشبک را نشان می‌دهد
(<http://vista.ir>)

عناصر سیستمی شهرهای سنتی ایران و اصل دفاع‌پذیری

فضاهای شهری در معماری و شهرسازی ایران اهمیت ویژه‌ای داشته است. یکی از مسائل مهم و مورد توجه در شهرسازی ایران، توجه به قلمروهای فضایی سلسله‌مراتب دسترسی افراد به فضاهای مختلف است. قلمرو فضایی معمولاً به دو صورت عمومی و خصوصی بررسی می‌شود. در بافت قدیم شهرهای ایران، حد فاصل و واسط این قلمروهای فضایی نیز تعریف شده است. فضاهای خصوصی شامل حیاط و عناصر آن بوده است. فضای نیمه‌عمومی - نیمه‌خصوصی به صورت یک بن‌بست اختصاصی یا یک هشتی بوده که به چند خانه راه داشته و قلمرو چندین واحد مسکونی یا مجموعه همسایگی بوده است. فضاهای عمومی نیز به صورت گذر و میدان، قلمرو و محدوده یک محله بوده است (فرسای، ۱۳۸۸). در واقع عناصر موجود در بافت‌های قدیمی شهرهای سنتی، خود سیستم‌های فرعی یک سیستم بزرگ‌تر بوده‌اند. این عناصر که در پاسخ‌گویی به نیازهای اقلیمی و حیاتی پدید آمده‌اند، با گذشت زمان روند تکاملی خود را طی کرده و به صورت سیستم‌های متعالی شکل گرفته‌اند (فرشاد، ۱۳۶۷: ۵۳). از این عناصر سیستمی می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- بن‌بست: کوچک‌ترین سیستمی است که در محدوده تاریخی شهرها معنا دارد. ساخت شبکه ارتباطات در شهرهایی با بافت پیوسته و مترکم که رشدی تدریجی و پویا داشته‌اند، به پیدایش معابر بن‌بست با طول‌های بسیار متفاوت برای تأمین دسترسی به تعدادی واحد مسکونی یا واحدهای معماری دیگر منجر شد. بسیاری از آن‌ها به صورت راسته مستقیم یا با انحنا و برخی از آن‌ها به صورت راسته پیچ‌درپیچ بودند (سلطان‌زاده، ۱۳۷۰: ۲۷). بن‌بست‌ها به دلیل اجازه ورود ندادن به غریبه‌ها، افراد غیرساکن و عبوری، امنیت خوبی را برای اهل کوچه فراهم می‌کرد (Pourjafar, 1983: 35). بیشتر معابر بن‌بست به واحدهای مسکونی اختصاص داشت و عرصه‌ای نیمه‌خصوصی برای ساکنان آن بود (سلطان‌زاده، ۱۳۷۰: ۳۵).
- شبکه بن‌بست: از ترکیب چندین بن‌بست ساده و یک معبر که این سیستم‌ها را به هم می‌پیوندد، شبکه بن‌بست به وجود می‌آید.

- معبر ارتباطی: از ترکیب چند شبکه بن‌بست حول معبری بن‌باز و کوتاه بدون کاربری‌های عمومی، واحد بزرگ‌تری به نام معبر ارتباطی به وجود می‌آید.
- زیرمحل: از ترکیب تمام اجزای قبلی حول معبری طولانی‌تر، زیرمحل شکل می‌گیرد. روی این معبر معمولاً گشایش‌های فضایی محدودی به صورت میدانچه و اطراف آن کاربری‌های عمومی چون حمام، مسجد، تکیه و خرده‌فروشی و... قرار دارد. این میدانچه‌ها در شهرهای سنتی ایران نمونه کاملی از تنوع و اختلاط کاربری‌ها، ایجاد فضایی جهت افزایش حضور مردم و بالا بردن نظارت اجتماعی است و می‌تواند الگوی جامعی برای ایجاد فضاهای دفاع‌پذیر و افزایش امنیت محیطی شهرهای امروزی باشد.

- محل: از ترکیب دو یا سه زیرمحل حول یک معبر شهری قوی که معمولاً میدان اصلی در آن قرار دارد و مسجد و بازارچه نیز به آن افزوده می‌شود، محل به وجود می‌آید. در شهرهای ایرانی، محل یا کوی مانند شهری کوچک در دل شهر به‌شمار می‌آید که دارای بازارچه، مسجد، مدرسه و دیگر تسهیلات مورد نیاز ساکنان بود. این تسهیلات با کوچه‌های باریکی به یکدیگر و منازل مسکونی می‌پیوست؛ بدین ترتیب زمانی محرمیت، آسایش و امنیت بافت مسکونی به‌خوبی تأمین می‌شد که خانه‌ها حول کوچه‌ای بن‌بست در محل قرار می‌گرفت (پورجعفر، ۱۳۸۱: ۱۶).

- شهر: از ترکیب محلات با بازار، میدان حکومتی، بناهای دولتی و مسجد جامع، شهر شکل می‌گیرد.

ارتباط میان عناصر تشکیل‌دهنده شهرهای سنتی در شکل‌گیری منظومه شهری نقش اساسی داشته است. از دیدگاه سیستمی، انواعی از ارتباط‌های بین‌عنصری در شهرهای سنتی دیده می‌شود (فرشاد، ۱۳۶۷: ۵۵):

۱. ارتباط‌های فیزیکی: شامل شبکه معابر و گذرگاه‌هاست. ارتباط فیزیکی بین عناصر هویت ساختاری شهر را به وجود می‌آورد. در شهرهای قدیمی، مکان‌یابی عناصر شاخص و اصلی همچون مسجد، آب‌انبار، ارگ و بازار در مسیر جریان اصلی انجام می‌گرفت. به این صورت مجموعه عناصر یادشده با یک گذرگاه و یا مجموعه‌ای از

گذرها به یکدیگر می‌پیوست. قرار دادن فعالیت‌های «نامن» در «مکان‌هایی امن» یعنی مکان‌هایی با میزان فعالیت بالا و فرصت نظارت فراوان، از راهکارهای ارزشمند در کاستن از میزان جرم در محله‌ها و مناطق شهری است؛ این راهکار که از آن با نام فعالیت پشتیبانی و به‌عنوان یکی از ارکان نظریه CPTED یاد می‌شود، با ارکان دیگر این نظریه چون قلمروگرایی، کنترل ورودی‌ها و نظارت مرتبط است. در واقع «فعالیت‌های امن» مانند کانون تجمع افراد محله عمل می‌کند و موجب افزایش چشم‌های ناظر بر خیابان، افزایش فرصت نظارت، تقویت همبستگی اجتماعی و بیشتر شدن کنترل اجتماعی غیررسمی می‌شود (محمودی جانکی، ۱۳۸۱: ۷۵).

۲. ارتباط‌های اجتماعی و کنترلی: هریک از سیستم‌های فرعی تشکیل‌دهنده سیستم شهری از محلاتی تشکیل می‌یافتند که از لحاظ قانونی، اداری و شرعی دارای درجاتی از خودمختاری بودند و به رفع امور روزمره خود، درون سیستم فرعی می‌پرداختند؛ در عین حال که درون خود دارای ارتباط‌های کنترلی نیز بودند. در واقع این محلات با ارتباط‌های کنترلی درون خود و با ایجاد احساس تعلق و مالکیت شخصی، نظارت اجتماعی این فضاها را افزایش می‌داد.

۳. ارتباط‌های برون‌شهری و ارتباط بین شهر و روستا: میان مراکز اصلی جمعیت و روستاهای اطراف، از گذشته دور پیوند حیاتی برقرار بوده است. این ارتباط‌ها به مبادله کالا و محصولات کشاورزی، اطلاعات و... می‌انجامید.

۴. سلسله‌مراتب میان عناصر شهری در ابعاد ساختاری و رفتاری: این سلسله‌مراتب را می‌توان در ساختار فضایی شهر (محله، بازار و مسجد)، سلسله‌مراتب دسترسی‌های موجود (گذرهای اصلی، فرعی و بن‌بست)، سلسله‌مراتب فضایی از نظر فضاهای عمومی و خصوصی (محرمیت)، سلسله‌مراتب توزیع خدمات شهری و سلسله‌مراتب موجود در عناصر نمادین مشاهده کرد. در واقع این سلسله‌مراتب همان است که جیکوبز از آن باعنوان «تعیین حدود واضح فضاهای عمومی و خصوصی» و یکی از سه مشخصه شهر امن در کتاب *مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی* (۱۹۶۱) یاد می‌کند.

شهرهای قدیم ایران به عنوان منظومه‌هایی پویا، دارای سیستم نظام‌وار بوده‌اند. از این رو این مجموعه‌ها درون خود روندهایی داشته‌اند که شبیه آن را در بسیاری از سیستم‌های ارگانیک می‌توان یافت (مجله برنامه‌ریزی شهری و مسکن، ۱۳۸۱). در واقع شهرهای سنتی ایران در بافت قدیمی به جهت ساختار کالبدی-فضایی، ویژگی‌ها و ارزش‌هایی چون امنیت، محرمیت و هویت را که لازمه تقویت دفاع‌پذیری است، با خود به همراه داشته است (پیران و دیگران، ۱۳۸۵: ۹-۴۴). تمام اجزاء و عناصر این سیستم نظام‌وار در شهرهای کهن ایران در ساختاری به هم پیوسته، از کوچک‌ترین سیستم یعنی «بن‌بست» آغاز و در نهایت در یک زنجیره مرتبط به بزرگ‌ترین سیستم یعنی «شهر» ختم می‌شود؛ در واقع مجموعه بن‌بست‌ها «شبکه بن‌بست» را می‌سازد و در کنار زیرسیستم‌های دیگر یعنی «معبور ارتباطی»، «زیر محله» و «محله»، سیستم بزرگ‌تر «شهر» را تشکیل می‌دهد. از سوی دیگر، از بین مجموعه عناصر سیستم‌های شهری، ارتباط‌های دوسویه از نوع ارتباط‌های فیزیکی، اجتماعی و کنترلی، برون‌شهری و... مجموعه سیستم را در وضعیتی پویا و تعاملی قرار می‌دهد؛ حالتی که موجب رشد کیفی شهر در بافت شهرهای قدیم ایران می‌شود و در عین حال اصول مهم دفاع‌پذیری فضاهای شهری را تحت محورهای کالبدی و اجتماعی با ساختن محیط‌های پویا، که با مراقبت جمعی نظارت می‌شود، تقویت می‌کند.

میدان نقش جهان اصفهان: ترکیب کاربری‌ها، ارتقای امنیت محیطی و دفاع‌پذیری

شهر اصفهان به عنوان نمونه‌ای کامل از مفاهیم یادشده در شهرهای سنتی ایران، به روش مشاهده‌ای و با استناد به پژوهش‌های صورت‌گرفته، برای موضوع تحقیق انتخاب شده است. نتایج این پژوهش در بسیاری موارد به شهرهای دیگر ایران در بافت سنتی چون تبریز، کاشان، یزد، کرمان و... تعمیم‌پذیر است؛ اما در اینجا از بیان جزئیات هریک به طور جداگانه چشم‌پوشی می‌کنیم. دقت در کالبد بافت شهرهای سنتی ایران نشان می‌دهد چیدمان کاربری‌ها در جوار هم نه به صورت یکنواخت، بلکه ترکیبی متوازن و هماهنگ از کاربری‌های سازگار همواره مورد نظر بوده است. در واقع شاهد شکل‌گیری شهرهایی در بافت‌های کهن ایران هستیم که به اصول بنیادین دفاع‌پذیری فضاهای شهری پایبند بوده‌اند؛ اصولی که بعدها از

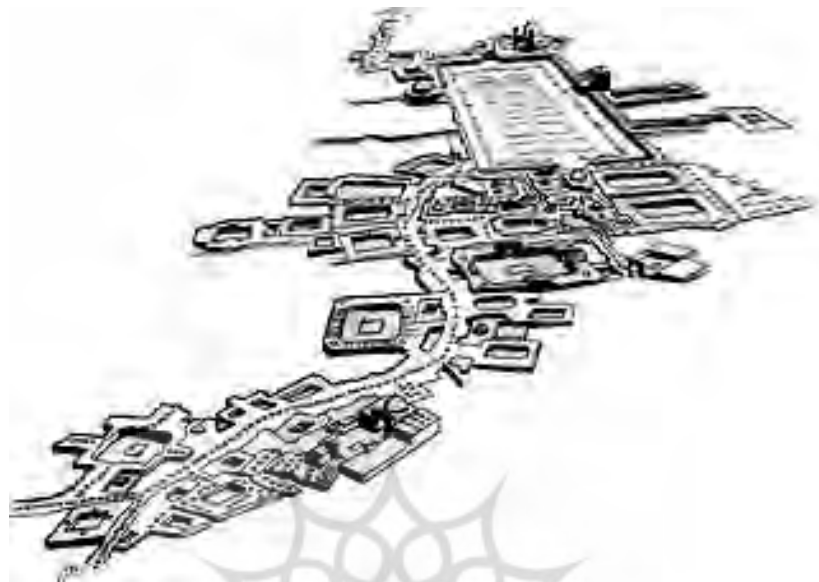
فضاهای قابل دفاع به‌عنوان سرمایه‌ای اجتماعی ... _____ محمدرضا پور جعفر و همکاران

سوی نظریه‌پردازی چون جیکوبز مبنی بر لزوم «تنوع کاربری و اختلاط آن‌ها در سطح شهر» مطرح شد. نمونه شاخص این پایبندی به اصول دفاع‌پذیری فضا- که کاربری اراضی در آن با تنوع و اختلاط مناسب مورد توجه قرار گرفته است- در شهر تاریخی اصفهان و یادگارهایی چند از دوره صفوی از جمله میدان نقش جهان به چشم می‌خورد. میدان نقش جهان اصفهان از فضاهای مهم شهری در معماری و شهرسازی ایران است.



شکل ۳ میدان نقش جهان اصفهان، پلان مسجد امام در سمت راست تصویر و بافت شهری اطراف میدان
(<http://civilica.persianguig.com>)

میدان محلی برای برگزاری جشن‌ها و مراسم خاص دولتی و همچنین برقراری ارتباط و تعامل اجتماعی بین مردم اصفهان بوده است. در شهرسازی ایرانی فضاهایی با مقیاس کوچک‌تر نیز وجود دارد. برای مثال میدانچه‌هایی که در محلات مختلف شهر یزد وجود دارد، دلیلی بر اثبات توجه معماران ایرانی به فضای شهری است (فرسای، ۱۳۸۸). بررسی این میدان با تأکید بر رویکرد دفاع‌پذیری و افزایش امنیت محیطی فضاهای شهری، نشان‌دهنده به‌کارگیری مطلوب اصول یادشده است. یکی از این اصول که در آرایش این میدان تاریخی به‌نحو ارزنده‌ای رعایت شده- چنان‌که هنوز هم پس از گذشت قرن‌های متمادی نقش خود را حفظ کرده است- تنوع و ترکیب مؤثر کاربری‌های برنامه‌ریزی شده اطراف میدان است.



شکل ۴ محور بازار و بافت تجاری در جوار کاربری‌های متنوع تفریحی، مذهبی، گردشگری و... حول میدان
(<http://vista.ir>, <http://tinypic.info>)

فضاهای قابل دفاع به‌عنوان سرمایه‌ای اجتماعی ... _____ محمدرضا پور جعفر و همکاران

آنچه از تصویر بالا برمی‌آید این است که با تشویق حضور مستمر مردم و گردشگران در بازار کهن و ارزشمند به‌جامانده از دوران صفوی، امکان نظارت طبیعی و پایش مداوم میدان فراهم آمده است.

امروزه، کاربری زمین‌های شهری در نظام‌های برنامه‌ریزی به دلیل استفاده بهینه از زمین‌های شهری، در انواع طرح‌های شهری و منطقه‌ای جایگاه خاصی یافته است (زیاری، ۱۳۸۱: ۱۱). آنچه در نظریه برنامه‌ریزی فضایی مطرح می‌شود این است که کاربری زمین شهری باید به ادراک زیبایی، هویت فضایی و احساس تعلق به محیط- عنصری که لازمه ایجاد فضاهای دفاع‌پذیر شهری است- پاسخ دهد (سعیدنیا، ۱۳۷۸: ۱۵). در بررسی این میدان با ارزش، شاهد کاربری‌های متنوعی از کاربری فرهنگی، گردشگری، مذهبی، تجاری، اداری و... هستیم. این کاربری‌ها در ارتباطی دوسویه و زنجیروار به‌خوبی ترکیب یافته است و ضمن افزایش نظارت طبیعی به‌گونه‌ای مطلوب، به نقش کارکردی خود در فضای شهری عمل می‌کند؛ گفتنی است که نظارت طبیعی به‌عنوان یکی از اصول دفاع‌پذیری فضا از سوی نیومن مطرح شده است و او از آن به پیوستگی بین ویژگی‌های فیزیکی فضا و توانایی ساکنان برای مشاهده آنچه اتفاق می‌افتد، تعبیر می‌کند (Newman, 1996). بازار میدان نقش جهان با کارکردی تجاری همچون قلب تپنده و یکی از کانون‌های مهم شهری، گرداگرد میدان را فراگرفته و در یکی از عرض‌های میدان جای گرفته است. این کارکرد «کاربری پیاده در پیاده‌روها» را که جیکوبز آن را لازمه فضای قابل دفاع می‌داند، تشویق می‌کند. چیزی که آنجل نیز در نتایج تحقیقاتش به آن اشاره می‌کند: میزان جرم به‌طور معکوسی با سطح فعالیت در خیابان‌ها ارتباط دارد. از سوی دیگر، احساس تعلق و مالکیت صاحبان تک‌تک مغازه‌های میدان که گرداگرد آن را دربرگرفته‌اند، موجب مراقبت فضا با مسئولیت جمعی شده است؛ همچنین مشاهده نظارت اجتماعی حاکم زمینه‌های ارتکاب جرم را کاهش و دفاع‌پذیری و امنیت محیطی را افزایش داده است. پیترسون نیز از محققانی است که بر «کاربری مختلط (متنوع) از محله» به دلیل کاهش فرصت‌های مجرمانه از طریق افزایش حضور مردم و افزایش انواعی از فعالیت‌ها تأکید می‌کند (Pettersson, 1998: 1-24).



شکل ۵ نمایشی از میدان نقش جهان اصفهان که مسجد، مغازه‌های اطراف، حضور مردم و سایت میدان را در بافت کهن این شهر نشان می‌دهد

(www.hamshahrionline.ir)

نتیجه‌گیری

گسست در ساختار فضایی- اجتماعی شهرها در روند برنامه‌های توسعه‌ای امروز، موجب ناکارآمدی طرح‌های توسعه شده و نگاه کلان و شهرمقیاس را به سلول‌های بنیادین یا محلات شهری معطوف کرده است، تا از این سطح در جهت هدف اصلی برنامه‌ریزی یا بهبود کیفیت زندگی ساکنان تلاش کند. بنابراین برای رسیدن به اهداف فضاهای امن و دفاع‌پذیر شهری به‌عنوان سرمایه‌ای اجتماعی، کاوش «محیط ساخته‌شده» از سوی معماران، طراحان و برنامه‌ریزان شهری در دوره‌های مختلف زمانی از طریق آثار به‌جامانده در شهرهای تاریخی، در تدوین راهبردهای مؤثر در این عرصه نقش کارآمدی خواهد داشت. در این پژوهش ضمن تعریف کلی عناصر و شکل کالبدی شهرهای سنتی ایران و اشاره‌ای اجمالی به میدان نقش جهان اصفهان، به مقایسه ایده‌های شکل‌دهنده شهرهای سنتی ایران با تعریف‌ها و نظریه‌های اندیشمندان این حوزه پرداخته شده است. اندیشمندانی که در نظریه‌های آن‌ها درباب امنیت، دفاع‌پذیری و پیشگیری از جرم در فضاهای شهری، نوعی انتقاد از شرایط طراحی و محیط

فضاهای قابل دفاع به‌عنوان سرمایه‌ای اجتماعی ... _____ محمدرضا پور جعفر و همکاران

ساخته‌شده آن دوره به‌چشم می‌خورد. یکی از مصادیق این انتقاد، نظریه‌های جیکوبز در مورد شهرهای قرن بیستم آمریکاست. جایی که او به تنوع^۱ و سرزندگی^۲ در شهرها اعتقاد دارد، چنین اذعان می‌کند که روش‌های طراحی شهری در این دوره از تعاملات اجتماعی میان مردم و «خودنظارتی» مؤثر می‌کاهد؛ به‌طوری که با کاهش کنترل اجتماعی غیررسمی از راه ایده‌پردازی طراحان شهری- که به جداسازی محلات و خیابان‌های خلوت معتقدند- و با کاهش میزان حضور افراد در خیابان‌ها، از میزان نظارت طبیعی کاسته و بر فرصت‌های جرم و به دنبال آن آمار ارتکاب جرم افزوده می‌شود. بررسی سیستم نظام‌وار شهرهای کهن ایران نشان می‌دهد تمام اجزاء و عناصر آن در ساختاری به‌هم پیوسته از کوچک‌ترین سیستم یعنی «بن‌بست» آغاز و در کنار زیرسیستم‌های دیگر چون «معبّر ارتباطی»، «زیرمحلّه» و «محلّه» در یک زنجیره مرتبط، در نهایت به بزرگ‌ترین سیستم یعنی «شهر» ختم می‌شود. در کنار زیرسیستم‌های دیگر یعنی «معبّر ارتباطی»، «زیرمحلّه» و «محلّه» که سیستم بزرگ‌تر «شهر» را تشکیل می‌دهد. ارتباط‌های دوسویه فیزیکی، اجتماعی و کنترلی، برون‌شهری و ... بین مجموعه عناصر سیستم‌های شهری آن، نشان می‌دهد شهرهای ایران در طول تاریخ اصول مهم دفاع‌پذیری فضاهای شهری را تحت محورهای کالبدی و اجتماعی با خلق محیط‌های پویا- که با مراقبت جمعی کنترل می‌شده- درون خود داشته است. این شهرها نمونه کاملی از تنوع و اختلاط کاربری‌ها، ایجاد فضایی جهت افزایش حضور مردم و بالا بردن نظارت اجتماعی بوده است و می‌تواند پشتوانه سرمایه اجتماعی و الگوی جامعی برای ایجاد فضاهای دفاع‌پذیر و افزایش امنیت محیطی شهرهای امروزی باشد. البته بررسی جامعه ایران نشان می‌دهد انسجام اجتماعی برای ایجاد اعتماد در جهت انجام اصلاحات اجرایی مهم است و شهروندان باید بدانند زیان‌های کوتاه‌مدت اصلاحات به‌مراتب از جبران منافع آتی و بلندمدت کمتر است. اگر سطح اعتماد در جامعه‌ای پایین و ارتباط‌ها ضعیف باشد، ممکن است جامعه به چندین گروه با اهداف کاملاً متضاد تقسیم شود؛ در این صورت تعامل تاحدودی سخت‌تر می‌شود. بخش‌های

1. Diversity
2. Vitality

نسبتاً خوب سازمان‌دهی شده جامعه ممکن است در تأثیرگذاری سیاست‌گذاری‌ها به نفع خود و به ضرر سایر گروه‌ها و حتی کل جامعه موفق عمل کند.

در جمع‌بندی کلی، محققان سرمایه اجتماعی را کاهش‌دهنده هزینه‌ها، مؤثر بر پایداری اجتماعی در سطح محله و مؤثر بر پایداری محیطی و اقتصادی در تمام سطوح می‌دانند. از خصوصیات سرمایه اجتماعی تقویت آن به واسطه هزینه‌شدن آن است؛ به این معنا که هرچه این سرمایه بیشتر به کار گرفته شود، باعث تولید و بازتولید آن می‌شود و هر چه بی‌مصرف بماند از توانایی آن کاسته یا با فرسایش سرمایه اجتماعی روبه‌رو می‌شود.

نتایج این پژوهش رابطه معنادار میان سرمایه اجتماعی و ارتقای کیفیت محیطی ضمن فضاهای قابل دفاع ایجادشده را تأیید می‌کند؛ ارتباط مثبت میان سرمایه اجتماعی و رضایت کلی از امنیت محله در کنار دیگر شاخص‌ها، یکی از یافته‌های بسیار مهم این تحقیق است. این دستاورد برنامه‌ریزان شهری را به برنامه‌ریزی برای افزایش سرمایه اجتماعی و آثار مثبت آن بر محیط محله‌های شهری تشویق می‌کند. با توجه به اینکه این تحقیق بر شهرهای سنتی ایران تأکید دارد و آن‌ها را در دوره‌ای از کارآمدی‌شان بررسی کرده است، ممکن است این سؤال مطرح شود که آیا نتایج تحقیق به شهرهای مدرن امروز نیز تعمیم‌پذیر خواهد بود؟ به نظر می‌رسد موارد بررسی‌شده در چارچوب شهرهای سنتی تاحدودی قابلیت سازگاری با شهرهای جدید را داشته باشد، ولی نه به‌طور کامل؛ چرا که با افزایش جمعیت شهرنشینی و بالاتر رفتن تراکم جمعیتی محلات- با فرض اینکه طراحی محلات در قالب یک برنامه جامع کالبدی کنترل شده باشد- اگر برنامه‌ریزی‌های لازم در جهت به‌کارگیری سرمایه مثبت اجتماعی صورت نگیرد، این مهم به ایجاد و ارتقای امنیت محیطی از طریق فضاهای قابل دفاع کمک نمی‌کند و پیامدهای منفی سرمایه اجتماعی را گریبان‌گیر جوامع امروزی خواهد کرد.

منابع

- آلتمن، ایروین. (۱۳۸۲). *محیط و رفتار اجتماعی: خلوت، فضای شخصی، قلمرو و ازدحام*. ترجمه علی نمازیان. تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه بهشتی.

- فضاهای قابل دفاع به‌عنوان سرمایه‌ای اجتماعی ... _____ محمدرضا پور جعفر و همکاران
- ابن‌خلدون، عبدالرحمن محمد. (۱۳۵۲). *مقدمه ابن‌خلدون*. ترجمه محمد پروین گنابادی. تهران: علمی و فرهنگی.
 - بیانلو، یوسف و محمدکریم منصوریان. (۱۳۸۵). «رابطه تراکم جمعیت با میزان و نوع جرم». *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*. س ۶. ش ۲۲.
 - پودراتچی، مصطفی. (۱۳۸۱). «فضاهای بدون دفاع». *ماهنامه شهرداری‌ها* (ماهنامه برنامه‌ریزی و مدیریت شهری). س ۴. ش ۴۱.
 - پورجعفر، محمدرضا، هادی محمودی‌نژاد، مجتبی رفیعیان و مجتبی انصاری. (۱۳۸۷). *ارتقای امنیت محیطی و کاهش جرایم شهری با تأکید بر رویکرد C. P. T. E. D*. ج ۱۹. ش ۵. تهران: انتشارات نشریه بین‌المللی مهندسی معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران.
 - پورجعفر، محمدرضا و علی‌اکبر تقوایی. (۱۳۸۱). «معیارهای بهینه برنامه‌ریزی و طراحی بافت مسکونی شهرها با توجه به ارتباط‌های متقابل اجتماعی». *فصلنامه تحلیلی پژوهشی مدرس هنر*. ش ۱. دانشگاه تربیت مدرس.
 - پورجعفر، محمدرضا. (۱۳۸۸). *مبانی بهسازی و نوسازی بافت قدیم شهری*. تهران: پیام.
 - پیران، پرویز، میرطاهر موسوی و ملیحه شیانی. (۱۳۸۵). «کارپایه مفهومی و مفهوم‌سازی سرمایه اجتماعی (با تأکید بر شرایط ایران)». *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*. س ۶. ش ۲۳.
 - تاجبخش، کیان. (۱۳۸۴). *سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه*. ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان. تهران: نشر و پژوهش شیرازه.
 - حبیبی، سیدمحسن. (۱۳۷۵). *جزوه درسی مکاتب شهرسازی*. دانشگاه تهران.
 - خاموشی، طاهره. (۱۳۸۷). *نقش طراحی شهری در ایجاد فضای عمومی امن در راستای کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس تهران.
 - زیاری، کرامت‌الله. (۱۳۸۱). *برنامه‌ریزی کاربری اراضی شهری (مورد: میناب)*. دانشگاه یزد.
 - سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۷۰). *فضاهای شهری در بافت‌های تاریخی ایران*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی (وابسته به مراکز فرهنگی - سینمایی) با همکاری شهرداری تهران.
 - سعیدنیا، احمد. (۱۳۷۸). *کاربری زمین شهری*. ج ۲. تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهری.
 - فرسای، علیرضا. (۱۳۸۸). «فضاهای شهری و اصول شهرسازی ایرانی». *نشریه الکترونیکی، خبری، آموزشی مسکن*. قابل دسترسی در:

<<http://www.maskanmag.com>>

- فرشاد، مهدی. (۱۳۶۷). *نگرش سیستمی*. تهران: امیرکبیر.
 - مبشری، محمد. (۱۳۸۷). «سرمایه اجتماعی چیست». *روزنامه همشهری*. س ۱۶. ش ۴۶۷۹. ص ۱۶.
 - محمودی جانکی، فیروز و مجید قورچی بیگی. (۱۳۸۱). «نقش طراحی محیطی در پیشگیری از جرم». *فصلنامه حقوق*. دوره ۳۹. ش ۲. تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
 - مونتسکیو، شارل لویی. (۱۳۶۲). *روح القوانین*. ترجمه علی اکبر مبتدی. تهران: امیرکبیر.
 - نیومن، اسکار. (۱۳۸۱). «نقش طراحی شهری در ایجاد فضاها قابل دفاع». ترجمه نسیم ایرانمنش. *مجله شهرداری‌ها*. س ۴. ش ۴۴. صص ۱۸-۲۳.
 - *مجله برنامه‌ریزی شهری و مسکن*. (۱۳۸۸). خبرگزاری دانشجویان ایران. قابل دسترسی در: <<http://isna.ir/isna/NewsView.aspx?ID=News>>
 - Crowe, Tim. (2000). *Crime Prevention Through Environmental Design*. 2nd Edition. Boston: Butterworth – Heinman. PP. 43-67.
 - Feins, J., J. Epstein & R. Widom. (1997). *Solving Crime Problems in Residential Neighborhoods: Comprehensive Changes in Design, Management and Use*. US Department of Justice, Office of Justice Programs, National Institute of Justice, Washington DC.
 - Jacobs, Jane. (1961). *the Death and Life of Great American Cities*. New York: Random House. ISBN 0-679-60047-7
 - Krupat, E. & P. Kubzansky. (1987). *Designing to Deter Crime*. *Psychology Today*. 21. pp. 58-61.
 - Newman, Oscar. (1996). *Creation Defensible space*. Available at: <<http://www.defensiblespace.com/book.htm>>
 - Petrella, Laura, *Urban Space and Security Policies: between Inclusion and Privatization*, UN-HABITAT, World Urban Forum, 2004, Barcelona, Spain
- <www.unhabitat.org/programmes/safercities/WUF_UrbanSpace.asp>

- Pettersson, G. (1997). "Crime and mixed-use development". Eds. A. Coupland. in *Reclaiming the City: Mixed Use Development*. Spon, London.
- Portes, A. (1998). "Social Capital: Its Origins and Applications in Modern Sociology. " *Annual Review of Sociology*. 24: PP. 1-24.
- Pourjajafar, M. R. (1983). "Neighborhood Unit, Precept and Performance of Sector 22, Chandigar". B. Arc Thesis, P. 35.
- Putnam, R. D. (1993). *Making Democracy Work. Civic Traditions in Modern Italy*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Robinson, Matthew B. (1996). "The Theoretical Development of 'CPTED': 25 Years of Responses to C. Ray Jeffery". Appears in: *Advances in Criminological Theory*. Vol. 8. Url Last Accessed on May 6, 2006.
- Rostami Tabrizia, Lamyā. & Ali Madanipour. (2006). *Crime and the City: Domestic Burglary and the Built Environment in Tehran*, *Habitat International*. Vol. 30, Issue4, PP. 932-944. Available at:
<<http://www.sciencedirect.com>>
- Sally E. Merry. (1981). *Defensible Space Undefined, Social Factors in Crime Control Through Environmental Design*. *Urban Affairs Review*. Vol. 16. No. 4. PP. 397-422.
- Schneider, S. & P. Percy (1996). *The Theory and Practice of Crime Prevention Through Environmental Design: A Literature Review*. Report for Canada Mortgage and Housing Corporation, Ottawa.
- <<http://www.wikipedia.org>> (2008)
- <<http://www.voruidoso.com/.../Photo%20Gallery.html>> (2009)
- <<http://www.urbanmanagement.ir>> (2010)

- <<http://www.alhosseini.org>> (2008)
- <<http://www.hamshahrionline.ir>> (2009)
- Naghsh-e-Jahan Bazaar, Available at:
<<http://vista.ir/include/photos/photos/FAA17011.jpg&imgrefurl>>
(August 2010)
- Naghsh-e-Jahan Square, Available at:
<<http://civilica.persianguig.com/image/jeography/esfahan.jpg>>
(August 2009)
- Naghsh-e-Jahan Bazar, Available at:
<<http://tinypic.info/files/qbdokatr9ac8xh1ezxd.jpg>> (August 2009).

